

نگاهی به زندگینامه خودنوشت دیوید نیون

● چرخ بازیگر... (زندگینامه دیوید نیون

● ترجمه هرمز همایون پور

● چاپ اول - ۱۳۷۸

● نشر و پژوهش فرزانه روز، مجموعه فانوس خیال

● ۱۲ + ۵۵۶ صفحه - ۲۵۰۰ تومان

اشاره: مقاله ذیل، مروری بر خاطرات دیوید نیون، بازیگر برجسته سینما و برنده جایزه اسکار است که علاوه بر محتوای جالب آن، از ارزشهای زیبایی و ادبی نیز بی‌بهره نیست. این کتاب با عنوان «چرخ بازیگر...» به ترجمه دکتر هرمز همایون پور، اخیراً از سوی نشر و پژوهش فرزانه روز منتشر گردید و با استقبال قابل توجهی رو به رو شده است. با توجه به این استقبال، نکته‌هایی درباره این نوع آثار - اتوبیوگرافی - محتوای آن در فهم تاریخ هالیوود، و بالاخره طنز و شیوه ادبی کتاب مطرح گردیده است. اتوبیوگرافی یا زندگینامه خودنوشت، اکنون به یکی از موفقترین و پرخواننده‌ترین ژانرها - انواع - در میان آثار ادبی و تاریخی و اجتماعی و سیاسی بدل شده و شاید بتوان گفت که کمتر عرصه‌ای از شهرت و موفقیت را سراغ داریم که نخبگان آن پای در رکاب نگارش خاطرات و تأویل گذشته خود بر مبنای کوله‌بار تجربه‌های طولانی ننموده باشند. ارزش این نوع آثار، البته، متفاوت است و انواع آن نیز بسیار متنوع و متکثر؛ اما با این همه در یک مسأله اشتراک دارند و آن رویکرد به واقعیت‌های ماضی، براساس انفعالات و آرامش و جمع‌بندی در یک دوره خاص از زندگی است. اتوبیوگرافی از آن جهت که بنیادهای آن ریشه در واقعیات دارد و بیانگر زیسته‌های حقیقی در چارچوب عصر و روزگاری کاملاً واقعی است، ضمن آنکه جاذبه‌های عام و فراگیر دارد، معمولاً برای نسل خاصی که برآمده از همان دوران ویژه است و هنوز خاطرات آن را در چنته حمل می‌کند، از جذابیت افزونتری برخوردار نمی‌شود. لذا پیوندی میان گروهی از

انسانهایی که تجربه‌های مشترکی دارند و عنوان «نسلی خاص» بر آنها اطلاق می‌شود ایجاد می‌کند و بستری برای تجدید خاطرات و رجعت به زیسته‌های همسان ایجاد می‌نماید.

می‌توان پذیرفت که بخشی از زندگی‌نامه خودنوشت از جمله خاطرات رجال سیاسی به علاوه برآنکه بر مبنای سوانح زندگی و تجربیات فردی قوام یافته، سندیت تاریخی استوار و عمیقی نیز دارد. این مسأله به این دسته کتابها ارزش و اعتبار فراوان می‌بخشد. چنانکه امروزه بخش مهمی از اسناد تاریخی و آثار مهم تاریخ معاصر، بر مبنای همین کتابها شکل گرفته، یا لاقلاً اشتراک مساعی این نوع کتابها در تکوین ذهنیت تاریخنگاران بسیار قابل ملاحظه است. البته معمولاً میل به اشتها و استمرار اعتباری که نخبگان و رجال درجه اول سیاسی در ذات خود دارند، سبب می‌شود تا آنان با رغبتی تمام دست به نگارش خاطرات و زیست‌نامه‌های خود بزنند و ضمناً جدیتی وافر دارند که کردارها و نتایج رفتار و برنامه‌ها و گفتارهای خود را توجیه کنند. همین تمایل توجیه‌گرایانه، غالباً بر اعتبار این نوع کتابها تأثیری معکوس می‌نهد؛ چنانکه می‌توان این نوع آثار را «نویسنده محور» نامید؛ مؤلف علاوه بر آنکه خود را مرکز تاریخ و کنشهای یک دوران قلمداد می‌کند، دائماً می‌کوشد زخدها را در جهت توجیه عملکرد خود سامان دهد و دائماً بر اهمیت خود بیفزاید. هر چه این میل در این دسته نویسندگان سرشار است، تمایل به نقد و بیان نقاط ضعف و نقصانها اندک است و فقط در تازه‌ترین و دشمنان می‌توان نکته‌های مستقدانه و عیبجویی‌هایی نکته‌ستحانه را سراغ گرفت. پس اعتبار این گونه اتوبیوگرافیا هنگامی تأیید خواهد شد و ارزش آنها هنگامی مشخص می‌گردد که مجموعه وثیقی از اسناد و مدارک تاریخی و ششانی آن را شخک زده و با توجه به سنجیدارهای متعددی مورد ارزیابی قرار بگیرند. از همین زاویه می‌توان گفت که عینی‌رغم اهمیت این نوع آثار در تاریخنگاری معاصر، بسیاری از این دست کتابها موجب پندایش نگرشهای سطحی و مشتابزده، همراه با یکسوتنگری در فهم وقایع شده و این ضعفها به بسیاری از کتب تاریخی نیز تنایت کرده، مگر آنکه پژوهشگر با حوصله و دقت و بررسیهای تطبیقی فراوان، یک یک معیانه‌نویسان اتوبیوگرافیا را بسنجد و در معرض داوری قرار دهد. در این باره می‌توان گفت:

برای آنکه از بحث اصلی دور نیفتیم، به انواع دیگری از این نوع کتابها اشاره می‌کنیم. زندگی‌نامه‌های خودنوشت قدمتی دیرینه دارند و البته انواعی بسیار فراوان، حتی گاه، شکل و محتوایی بسیار پیچیده می‌یافته‌اند؛ چنانکه عرفاً و مثالیین شرح مکافات خود را ضمن آثاری همچون «اعتراقات» اوگوستین یا «المنقذ من اللطال» غزالی بیان می‌کرده‌اند، یا حتی مساجرای تحول عقلی خود را می‌نگاشته‌اند، همچون رنه دکارت در «گفتار و روش درست راه یزودن عقل» اما منظور ما این نوع کتابها نیست، بلکه زندگی‌نامه‌هایی مدنظر است که معطوف به زیسته‌های



آثار
خال

جهان عینی بوده باشد، هر چند شرح تأملات و تفکرات نیز نمی تواند از آن متفک شود. در دوران ما برخی از این نوع آثار به نمونه های ادبی کم نظیری اعتلا یافته است. از جمله «ضد خاطرات» اثر ممتاز آندره مالرو که از هنر نظر عالی و از بهترین آثار قرن بیستم شمرده شده است. چنین موقعیتی برای یک اتوبیوگرافی، معلول عوامل متعددی است که فقط به اشتها مؤلف و توجه خوانندگان به مقام و شهرت وی مربوط نمی شود. اولاً فراز و نشینیها و تجربه های عبرت آموزی در آن نهفته است. ثانیاً نویسنده از نظرگاهی وسیع و متعالی با مواقف مهم حیات خود و مواضع بزرگ عصر خود رو به رو شده، و بالاخره نثر و شیوه نگارشی بسیار عالی و برجسته تجربیات و حوادثی را به هم دوخته و پرندهی زیبا از واژگانی عالی برای مخاطبان فراهم آورده و ایشان را مجذوب ساخته است. در این عرصه، به صورت طبیعی تعداد زیادی از مشاهیر و معاریف رشته های مختلف، حتی ورزشکاران برجسته نیز بهجت خود را آزموده و سعی کرده اند چشم انداز حیات خود را - از منظر خود - به علاقمندان ارائه نمایند و باز هم طبیعی است که ستارگان و نوایع هنر هفتم که بیش از اغلب نخبگان در ذهن و ضمیر عامه مردم نفوذ دارند، بکوشند تا پرده ای دیگر از بازیهای خود را، نه بر پرده سپید سینما، که بر صفحه سپید کاغذ نمایش دهند. در سالهای اخیر، ترجمه خاطرات سینماگران بزرگی همچون لوئیس بوتول، آنتونی کویین، مارلون براندو و... از جمله کتابهای موفق در کشور ما بوده و نشان می دهد که این

نوع کتابها، همچون فیلمهای این نوابغ بزرگ، مرزها را در حوزه سینمای جهانی یافته است. تازه‌ترین اثر در این عرصه، «جرخ بازیگر...» نام دارد که طرز نگارش و دیوید نیون، بازیگر ممتاز سینمای انگلیس و آمریکا به قلم خود اوست. در این اثر، طراوت و ظرافتهای فراوانی وجود دارد که بخش مهمی از آن به دقایق و ویژگیهای نگارش آن بازنمایی شده است. ویژگیهایی که آن را به صورت یک رمان جذاب و خوشخوان در آورده و سبب موفقیت آن شده است. نویسنده نتواند طی پانصد صفحه مطالعه از آن فاصله بگیرد. این اثر مکرراً در زبان اصلی چاپ شده و به زبانهای متعددی نیز ترجمه گردیده و تاکنون خوانندگان خود را با حفظ خنده است. از آن بزرگان می‌توان داوری جان کنت گالبرایت را در مورد این کتاب به طور کامل پذیرفت. «دیوید نیون به راستی نویسنده‌ای درخشان است؛ زبردست در توصیف، فوق‌العاده در ستاره‌گرایی و در نگارش گویا، و ماهرترین صاحب قلمی که در بیان مراتب اوج و اضمحلال زندگی از زبان شخصیت‌های او می‌شناسم.» و نیز نظر منتقدی دیگر را که در عبارتی کوتاه این کتاب را «جمع‌بندی از بهترین آثار سینمایی خوب، به وفوراً» ذکر کرده است.

این موفقیت برای کسی که حرفه اصلیش نویسندگی بوده و نویسنده بزرگ است و فقط می‌توان گفت که نیون، علاوه بر بازیگری، از فرهنگ و استعداد نویسنده و در ادبی قابل توجهی نیز برخوردار بوده است. چیزی که کمتر در یک نفر اینگونه جمع می‌آید. خاصه بازیگری حرفه‌ای که در طول سالیان بسیار طولانی درگیر سینما بوده و موفقیت‌هایش را تا حد دریافت جایزه اسکار تکمیل کرده است. به هر رو قبل از بحث دربارۀ شیوه روایت و نگارش دیوید نیون در اتوبیوگرافیش که یک بحث ادبی است، راجع به او و محتوای کتابش نکته‌هایی را مطرح می‌کنم. دیوید نیون، یکی از ستارگان موفق سینما در دهه ماقبل جنگ جهانی دوم و دو سه دهه بعد از آن بود. یعنی دقیقاً دورانی که سینما به برکت سرمایه‌گذارهای حیرت‌انگیز، از هنری محدود به صنعتی غول‌آسا تغییر چهره داد و به تدریج به مرکزی عظیم برای صدور هنر و مد و سلیقه‌ها و داستانهای پرکشش برای همه جهان بدل شد. لازمه چنین امری، معرفی ستارگان بزرگ و قابل بود که با استعداد خود و بازیهای درخشان، فیلمنامه‌ها و کارگردانان بی‌رحسته و صاحب تجربه را قرین موفقیت‌های عظیم ساخته و فیلمهایی می‌آفرینند که حقیقتاً جاودانه بود. نیون در بخشی از خاطرات خود به آن دوران خیره می‌گیرد که «چرا سرمایه‌گذارها بر روی تکامل و بهبود تکنیکها و ابزار صورت نمی‌گرفت.» اما شاید اگر آن چهره‌سازها و آن داستانهای زنده و درخشان بر پرده‌های هنر هفتم شکل نمی‌گرفت و سینما به پر طرفدارترین هنر جهان بدل نمی‌شد، هیچ‌گاه شاهد تحولات بعدی نیز نمی‌بودیم. نیون خود در چنین شرایطی به بازیگری بزرگ بدل شد و اتفاقاً تفاوت سینمای آن دوران با سینمای دهه‌های اخیر دقیقاً در همین تمایز

نهفته است، زیرا بسیاری از ارزشها و جلوه‌های ویژه در سینمای امروز محصول تکنیک و امکانات عالی و دقیق تکنولوژیک است. حال آنکه در آن سالها تنها بازیگران بزرگ با نگاهها، تغییر حالتها، رفتارها، و دیالوگهای عالی خود قادر بودند آرمانهای کارگردانان بزرگ و فیلمنامه‌های سنجیده و برجسته را عینیت بخشند. در چنین اوضاع و احوالی بود که بازیگران نامدار و نابغه‌ای همچون اورسن وولز، چارلی چاپلین، همفری بوگارت، جان وین، الیزابت تیلور، مارلون براندو و... ظهوری می‌کردند و بی‌تردید تا امروز نظایری برای آنها یافته نشده است. شاید یک علت سردی و نگاه پآسی‌آلود نیون در فصلهای پایانی کتابش نسبت به وضع و آینده سینما محصول زمان نگارش کتاب بوده باشد. زمانی که (با توجه به چاپ اول کتاب در ۱۹۷۱) احتمالاً نیمه دوم دهه ۶۰ بوده است. در این دوران، سینما دچار رکود گسترده‌ای شده و رقابتی نابرابر با تلویزیون نیز آن را از نفس انداخته بود. به همین دلیل سایه تیره‌ای از یأس بر بازیگران، کارگردانان، و سایر دست‌اندرکاران سینما گسترده شده بود و سرمایه‌گذاران بزرگ نیز کمتر جرأت ریسک در این عرصه را داشتند. معذک چند سالی نگذشت که دوباره انقلابی برپا شد و کارگردانانی همچون فرانسیس فورد کاپولا - در پدرخوانده - و اکیرا کوروساوا - در هفت سامورایی - امواج جمعیت را به پای‌گیشه‌ها کشاندند. فیلمهایی که هم ارزش هنری بسیار داشت و هم جذابیت و کشش داستانی، بخصوص پدرخوانده که با صحنه‌های اکشن و پرانگیزنده، همراه با بازیهای به یادماندنی، یادآور فیلمهای جان فورد و بیلی وایلدر و فرزندنه‌مان و... بود و فراتر از آنها افقهای سینما را گسترش داد و مرزهای استقبال میزوم از سینما را نیز تکان داد. این روند، با سیطره تکنیک در دهه نود، یازدهم در سینما انقلابی ایجاد کرد، متناهی داستانهای واقع‌گرا و بازیهای نواخ بازیگری، بلکه با فیلمهای پر هزینه‌ای همچون ژوراسیک پارک و ترمیناتور ۲ و بیگانه‌ها و اخیراً تایتانیک که در هزینه‌های رکوردهای افسانه‌ای بر جای نهادند و سینما، علی‌رغم گسترش کانالهای تلویزیونی، ویدئو، سی‌دی و... همچنان در مرکز توجه میلیاردها انسان در سراسر جهان حفظ شد.

اما خاطرات نیون، علاوه بر آنکه در بردارنده مسائل، سرگذشت، و روحیات آن دوره طلایی در هالیوود است و خواننده را با فضایی که انگیزه‌ها و ارزشهای سینما - در گستره‌ای جهانی - شکل می‌گرفت آشنا می‌سازد، مجموعه‌ای از داستانهای به هم پیوسته از ماجراهای زندگی نیون را نیز در بردارد. جالب توجه آنکه نیون ابتدا افسر ارتش بریتانیا بود و سپس به بازیگری روی آورد. در اوج دوران موفقیتش یکباره آتش جنگ جهانی شعلهور شد و او هالیوود را به مقصد ارتش انگلستان ترک کرد. در جنگ شرکت نمود و به یکی از فرماندهان بدل شد تا آنجا که نشان لیاقت و افتخار گرفت و مجدداً به سینما بازگشت و سرانجام به اوج دوباره‌ای دست یافت و

موفق به اخذ جایزه اسکار گردید. در طی همین فراز و نشیبها، از جمله در خاطرات دوران جنگ، از زاویه‌ای متفاوت با رویارویی متفکین و ارتش آلمان آشنا می‌شویم و در خلال همین مسائل و خاطرات است که نکته‌های جالب از زبان نیون درباره شخصیت‌های برجسته‌ای همچون وینستون چرچیل به میان می‌آید و دیدارهای چندگانه‌ای که نیون با این سیاستمدار خبره و کم‌نظیر داشته است. از جمله یک جا وقتی چرچیل پیش‌بینی واقعه‌ای مهم را در ابتدای جنگ می‌کند و آن واقعه متحقق می‌شود، نیون از او می‌پرسد، آیا آگاهانه چنین پیش‌بینی‌ای کرده است؟ صدراعظم چرچیل پاسخ می‌دهد که: «بله پسر جان برای اینکه من تاریخ می‌خوانم.» علاوه بر این مسائل، تاریخ سرمایه‌گذارها و تکوین سینمای هالیوودی و روابط حاکم بر این محیط و نگرش اقتصادی، حرفه‌ای، و هنری در آن با دقت قابل توجهی توصیف شده که بسیار جالب است و علاوه بر این ارزشهای تاریخی و هنری، به دلیل به کارگیری نثر و نگره‌ای کمیک و هوشیار از طنز، خواننده می‌تواند به صورت مثنی جذاب آن را دنبال گیرد و هیچ‌گونه ملالی در خود حس نکند اما امتیاز خاطرات نیون به نثر ممتاز و کیفیت روایت او باز می‌گردد. شیوه تدوین کتاب، البته شیوه‌ای سنتی است (و به روشی افقی و خطی) از زمان کودکی آغاز می‌کند و ادوار ماضی را تا عهد نگارش کتاب پی می‌گیرد. اما نثر و طنز جالب از یک سو و تکنیکهای جالب در ادای روایت سبب می‌شود که اثری جاندار و عالی خلق گردد و کتاب، از یک روایت و مجموعه خاطره ساده به سطح یک رمان خواندنی و دلچسب نزدیک شود.

طنز نیون در «چرخ بازیگر...» سه سطح دارد. سطح اول موضوعات و ماجراهای کمیک است که طی آن ماجراهای جدی را از نگاه فردی متمایز اما ظاهراً منخبط روایت می‌کند تا هم به خود حالت معصومیت بازیگران کمدی را بدهد و هم از ثقل موضوع بکاهد. این موضوعات معمولاً رخدادهایی اجتماعی هستند که با ورود نیون به آنها و عدم تطابق وی با روند جزئیات و بالاتر از آن، درک معکوس وی، به آشفتنگی‌ها و در هم آمیزی‌هایی منجر می‌شود که سر رشته کار از دست همه به در می‌رود. می‌توان حدس زد که نیون به دلیل گرایش کمیک خود در سینما، در این نوع روایتها از سینمای کمدی الهام گرفته و اساساً سبک سینمایی‌اش بر سبک ادبی و روایی‌اش بی‌تأثیر نبوده است.

سطح دوم از طنز نیون بیان عبارتهای طنزآلود و لطیفه‌های کلامی است که اغلب به صورت معترضه در فحوای روایتها بیان می‌شود و اگر چه اغلب خصلت اروتیک دارد اما اصلاً شنیع و مبتذل نیست. از این نظر با فرهنگ کوچکچه در گفتار و تداول عامیانه همسنخ و هماهنگ است و آگاهانه و منسجم با کیفیت مطالب در آن جایگیر شده است.

سطح سوم از طنز کتاب، از کیفیت نثر آن بر می‌خیزد. نثری ظاهراً بسیار ساده و عباراتی بیش

لاشک و واضح که برای بیان موضوعاتی بعضاً بسیار جدی برگزیده نشده و در نگاه اول به پارادوکسی بین شکل و محتوا می ماند اما به تدریج می توان نوعی صنعتگری آگاهانه و ادبی را از آن استخراج کرد. چیزی شبیه تجاهل العارف در بلاغت قدیم خود ما که گویی نگارنده نمی داند چقدر این موضوعات مهم و اساسی هستند، حال آنکه در واقع می داند و تعمدی در تقابل با آن دارد! این نثر متجاهل که محض تهاک تندی دارد حتی در بیان روایتی نظیر مرگ نیز خود را پنهان نمی کند و همچون فیصله و شتاب کمیک - نوعی نمایش دست و پا چلفتی بودن در برابر صحنه های بلوغ و بلوغها - از آن ساطع است. برای توضیح بهتر درباره این سطح از طنز نیون، شاید بهتر است بگوییم که در مسائل جزئی و کم اهمیت، درنگهای طولانی و توصیفات مطنطن و تحلیل‌های دقیق ارائه می دهد و در مسائل مهم و اساسی با عبارات تند و واژگان عامیانه و حتی کورتگانه از موضوع می گذرد. از طرف دیگر در ضمن بیان مسائل بسیار جدی، یکباره خاطرات شخصی و شیطنتهای خصوصی را مطرح می کند و آن را تحت الشعاع قرار می دهد.

اینها گوشه هایی از تکنیکهای آفرینش اثری موفق است که شاید در ابتدا آیدینه نشود یا کم اهمیت جلوه کند، اما واقعیت این است که داشتن سبکی ممتاز در هر اثر موفق از لوازم ضروری و اولیه آن می باشد. نیون در این کتاب، در برخی بخشها، قداوت قاطع خود را در درک و بیان حالات و اتفاقات و توصیفات بیان می کند، اما عموماً و عموماً طنز زیبا و پرشعاب خود را که در سراسر کتاب گسترده است دنبال می کند. هدف او همچون فیلمهایش تفریح خاطر مخاطب است، او در جستجوی لبخندی بر لبهاست. اما هنگامی که به پایان کتاب می رسد، در فصل هفدهم در بیان حالات نسلی که در مالیه خولیای اعتیاده آرمانگرایینهای پیورده، و روابط بونیاک و بیمارگونه دچار آمده، توصیفی به درخشش زمانها ارائه می دهد. صحنه هایی که شاید ما را هم به نفس جاری و اشتیاقمان در این سالها پیوند زند. نیون هم سرانجام میل خود را به رجعت در کوچه پس کوچه های خیالات و روزگاران پراشور گذشته پنهان نمی کند و پس از قرار از دخته ای که در آن دود هروئین و عکس مانو و آه مه های زولیده در هم آمیخته بود و از میان تازیکی دختر بلند قامتی برخاست... گفت «صلح» و دوباره دراز کشید... ناگاه به غروب و نسیم پاییزی پناه می برد و... ناگهان به شکلی نامنتظر، در بلندای فواز دودکشاها، چشمانم به یکی از دوستان قدیم دوران بچگیم افتاد که با آرمش و اطمینان در دوران لکه ابری روشن در آسمان می حرامید... او اما در آخر، رحمت مترجم را هم باید ستود، زیرا آنچه را درباره سبک نوشتاری نیون گفتیم، با مهارت و طرافت و امانت، به قارش می برگردانده است. کتابی است خواندنی و به یادماندنی که هیچ کس، از کوچک و بزرگ، از مطالعه آن ناراحت و مغبون نمی شود!